تمثیل قالی و جایگاه عالی



غلامرضا بنی‌اسدی
روزنامه‌نگار

بی«حرکت»، به مقصد نمی‌رسیم. بدون «بینات» در معرض گم کردن راهیم. راه را و نشانه‌ها را باید درنظر داشت. آن وقت به اقدام برخاست که بی‌عمل، اتفاقی نمی‌افتد. معجزه‌ها هم نتیجه‌ای است که خداوند حکیم در تلاش‌ها و سعی‌ها، به ودیعت نهاده است. نه زندگی باری به‌هرجهت است و نه رضوان الهی، خلق‌الساعه به روی کسی، در می‌گشاید.

به مزرعه زندگی توجه کنیم و بدانیم آخرت را در همین دنیا باید آباد کرد. با خود روزی هزاربار تکرار کنیم که بهشت مثل فرش، بافتنی است. مثل ساختمان، ساختنی است. یافتنی نیست که ناخودآگاه چشم باز کنی و آن را پیش‌روی خود بیابی. باید زحمت بکشی. رج‌به‌رج، گره‌به‌گره ببافی تا در پایان، به آغازی زیبا برسی که نشستن بر فرش است. بی‌حساب‌وکتاب نیست که ازقضا هر گره، حسابی خاص دارد و در هندسه‌ای طراحی‌شده می‌تواند صاحب نقش باشد.

حتی یک گره، بله حتی یک گره، خارج از طرح، می‌شود مثل نواختن یک ساز، خارج از دستگاه که هارمونی ارکستر را به‌هم می‌ریزد. ایمان تمام‌ساحتی نیز چنین است؛ هر چیز در جای خود با نقشی ازپیش‌تعریف‌شده. باری به‌هرجهت چیزی درست نمی‌شود. روی هم چیدن بی‌طرح و نقشه آجرها، سازه‌ای را ایجاد نمی‌کند که در فروریخت نخست، خیلی از آجرها را هم می‌شکند و از فهرست مصالح ساختمان خارج می‌کند.

کسی که می‌خواهد سازه‌ای بشکوه و بنایی فرازمند بسازد، از همان اول همه‌چیز را می‌سنجد و با طرحی کامل، کار را شروع می‌کند تا در پایان، صاحب سرمایه‌ای قابل احترام شود. پیش از بافتن فرش هم همین نگاه را لازم دارد تا سرمایه را هدر ندهد، بلکه با ارزش‌افزوده، قیمت را افزون کند. حکایت بهشت هم همین است؛ نمی‌شود به یک‌باره آن را یافت، بلکه باید با اعمال صالح، بسان گرهی که تاروپود را به‌هم پیوند می‌زند، آن را ساخت. بهشت، ساختنی است.

به این مهم توجه و نفس‌هایمان را هم در این راستا برنامه‌ریزی کنیم تا به هر دم و بازدم، قدمی به پیش برداریم. امام‌علی(ع) چنین ما را به این مهم توجه می‌دهند که: «آدم عاقل کسی است که {حتی} یک نفس از عمرش را در چیزی که برایش سودی ندارد، به هدر نمی‌دهد». التزام به درس تربیتی علوی و باور به این نگاه، ما را از یلگی و زیستن باری به‌هرجهت دور می‌کند. این را که منتظر باشیم تا بخوابیم و برخیزیم و به مقصد برسیم، باید از ذهن پاک کرد. خدای بلندمرتبه، پا را داده است برای رفتن، برای رسیدن. باید راه را درست انتخاب کرد و گام‌ها را در آن سامان داد. در سامان‌یافتگی است که می‌شود به مقصد هم دست یافت. نبوت و امامت و ولایت برای نظم دادن انسان در این مسیر است. رسولان، دست‌گیر همه‌اند در این راه. امامان، چراغ راهند و اولیا، شاخص‌هایی هستند که شخص را تا رسیدن به شخصیتی در تراز مکتب، همراهی می‌کنند. نتیجه هم می‌شود انسان‌های تربیت‌یافته‌ای که بی‌انتظار، به ساختن می‌پردازند و دست دیگران را هم در این راه می‌گیرند؛ مثل استادکار هنرمندی که فرش را زیر پای دیگران باز نمی‌کند، بلکه آنان را بر دار قالی می‌نشاند تا پس از بافت، فرش را زیر پای خود ببینند. این تربیتی‌ترین شیوه‌ای است که در منهج معرفتی و منطق دینی می‌بینیم.

حکم تماس با میت

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ با ما در میان بگذارید.

چنانچه شخصی به بدن میت برخورد کند یا بدن میت از روی لباس لمس شود، آیا غسل بر او واجب می‌شود؟

پاسخ اجمالی

صحبت بر سر سفارش‌های اسلام درباره پاکیزگی است. یکی از این سفارش‌ها، درباره غسل مس‌میت است. از روایات استفاده می‌شود بدن انسان یا حیوان زمانی که می‌میرد، کثیف و آلوده می‌شود. حکم وجوب این غسل برای آن است که میت قبل از غسل، ناپاک تلقی می‌شود و اگر برخوردی با آن داشته باشید، باید غسل کنید. در روایت آمده است:

«علت وجوب غسل برای مرده‌شور یا کسی که به مرده دست می‌زند، پاکیزگی است به‌دلیل پاشیدن آبی که روی میت ریخته می‌شود؛ زیرا هنگامی که روح از بدن مرده خارج می‌شود، بیشتر آفات مرده باقی می‌ماند؛ به همین دلیل کسی که به مرده دست می‌زند، باید غسل کند و بدن مرده را هم باید پاک کرد». از این روایت استفاده می‌شود که خود روح و جان، باعث تمیزی و پاکیزگی است و خروج روح از بدن، سبب آلودگی بدن است و زمانی که جان خارج می‌شود، آفت آن روی بدن باقی می‌ماند. درباره حیوان نیز ائمه(ع) می‌فرمایند که نیاز به غسل نیست؛ زیرا پوست نوع حیوانات با مو یا پشم یا پر پوشیده است و به همین دلیل با دست زدن به حیوان مرده، غسل بر انسان واجب نمی‌شود.

از یکی از امامان معصوم نقل شده است: «فَإِنْ قَالَ فَلِمَ لَمْ يَجِبِ الْغُسْلُ عَلَى مَنْ مَسَ شَيْئاً مِنَ الْأَمْوَاتِ غَيْرَ الْإِنْسَانِ كَالطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السِّبَاعِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ قِيلَ لِأَنَّ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ ... ، پس اگر گفت چرا غسل بر کسی که به مرده‌های غیرانسان مانند پرندگان و چهارپایان و درندگان و غیر آن دست بزند واجب نیست، گفته می‌شود زیرا این موارد با پر و پشم و مو و کرک پوشیده شده است و این‌ها طاهر هستند و نمی‌میرند و همانا به چیز پاک از آن‌ها دست خورده می‌شود. چه حیوان زنده و چه مرده باشد، این اجزا پاک هستند».

از روایات استنباط می‌شود که بعد از مس مرده حیوانات، صرفا دست شسته بشود و به غسل نیازی نیست.

آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای

اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده ولی هنوز غسل داده نشده است، لمس کند یا جایی از دست و پا و صورت و سایر بدن خود را به هر جای بدن او برساند، باید برای نماز و امثال آن غسل کند. این را «غسل مس‌میت» می‌نامند.

توجه: دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده، پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن، در حکم دست زدن به بدن مرده است.

دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

مواردی که مس بدن انسان مرده، سبب غسل نیست:

۱. کسی که در میدان جنگ به شهادت رسیده است؛

۲. مرده‌ای که بدنش هنوز سرد نشده است؛

۳. مرده‌ای که سه غسلش را داده‌اند.

هرگاه شک کنیم میتی را غسل داده‌اند یا نه، با مس جسد یا اجزای آن (البته پس از سرد شدن) واجب است غسل مس‌میت کرد و نماز بدون غسل مس‌میت صحیح نیست، ولی اگر اصل غسل میت احراز شود، با مس جسد یا بعضی از اجزای آن، غسل مس‌میت واجب نیست، حتی اگر در صحت غسل آن میت شک داشته باشیم.

آیت‌ا...العظمی سیستانی

اگر بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده است و غسلش نداده‌اند مس کنید، یعنی جایی از بدن خود را به آن برسانید، باید غسل مس‌میت کنید.

آیت‌ا...العظمی مکارم‌شیرازی

اگر لباس خود را به بدن میت بزند یا بدن خود را به لباس میت برساند، غسل مس‌میت واجب نمی‌شود. غسل، تنها درصورتی واجب است که جایی از بدن خود را به بدن میت برساند و هرگاه کسی بدن انسان مرده‌ای را بعد از سرد شدن و قبل از غسل، مس کند (یعنی جایی از بدن او با میت تماس پیدا کند) باید غسل مس‌میت کند؛ خواه بااختیار باشد یا بی‌اختیار. حتی اگر ناخن او به ناخن میت برسد، غسل واجب است.

شهرآرا
۵شنبه
۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
۲۰ شوال ۱۴۴۴
شماره ۳۹۳۸
SHAHRARANEWS.IR

میان این جهان تا آن جهان

نگاهی به عالم برزخ و چگونگی آن در آیات و روایات

حمیده ذاکری| حتما می‌دانید که براساس روایات، پایان دنیای فانی که ما در آن به‌سر می‌بریم، روز قیامت است؛ روزی که همه جهان دگرگون می‌شود و همه مخلوقات از قبرها بیرون می‌آیند و در محضر خدا حاضر می‌شوند. اما این نفوس، زمانی که جسم فانی‌شان در گورها بوده است، کجا بوده‌اند و چه حالی داشته‌اند؟ آیا ارواح سرگردانی بین دنیای فانی و باقی بوده‌اند یا در جایی منتظر قیامت هستند؟ این محل کجاست و چه کیفیتی دارد؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی مانند این برای بیشتر ما هنگام مواجهه با دنیای پس از مرگ مطرح می‌شود. آیات و روایات می‌توانند منبع خوبی برای پاسخ به این پرسش‌ها باشند. در ادامه، برخی از آنچه در این باره در متون قرآن و سایر متون دینی آمده است، با هم مرور می‌کنیم.

برزخ؛ دنیای بین زندگی و آخرت

براساس آیات و روایات، مرگ پایان زندگی ما نیست و پلی است که ما را از زندگی دنیایی به زندگی اخروی می‌رساند. در این میانه، عالم برزخ وجود دارد که از آن به‌عنوان حائلی بین دو دنیا تعبیر شده است. بر این اساس، برزخ عالم میان دنیا و قیامت است که از آن به نام قیامت صغری نیز یاد می‌شود. بعد از مرگ و جدایی روح از بدن، انسان به این عالم وارد می‌شود. براساس آموزه‌های اسلامی، این عالم برای هر دو گروه مؤمن و کافر وجود دارد، با این تفاوت که برای مؤمنان مانند بهشت و برای کافران مانند جهنم است. در برزخ، تکامل یا تنزل از انسان -به استثنای کودکان- سلب می‌شود؛ اگرچه آثار اعمالی که قبلا در دنیا انجام داده‌ایم، به ما می‌رسد.

پیامبر اسلام(ص)

أقلَّ الذُّنوبَ يَهِنْ عَليكَ المَوْتُ

کمتر گناه کن تا مردن بر تو آسان شود.

(شهاب‌الاخبار، ص۳۰۹)

برزخ مؤمنان با کافران متفاوت است

خداوند در سوره آل‌عمران ابتدا با پیامبر اسلام (ص) سخن می‌گوید و ایشان را خطاب قرار می‌دهد: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند، بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی می‌گیرند» و در سوره بقره، آیه ۱۴۵ خطاب به همه مؤمنان می‌فرماید: «به آن‌ها که در راه خدا کشته شدند، مرده مگویید، بلکه آن‌ها زنده‌اند ولی شما نمی‌فهمید». بنا به نظر کارشناسان دینی، هر دو آیه به وجود عالم برزخ اشاره می‌کنند. علاوه بر این در سوره مؤمنون، خداوند از عذاب‌های فرعونیان در برزخ سخن می‌گوید؛ آنجا که می‌فرماید: «سرانجام عذاب‌های شدید بر فرعونیان نازل شد». سپس ادامه می‌دهد: «عذاب آن‌ها همان آتش است که هر صبح و شام بر آن‌ها عرضه می‌شود و روزی که قیامت برپا شود، خداوند دستور می‌دهد آل‌فرعون را به سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید». براساس این چند آیه، کارشناسان بیان می‌کنند که هم کافران و هم مؤمنان در برزخ وارد می‌شوند اما شرایط آن‌ها با هم متفاوت است. همچنین این عذابی که صبح و شام بر آن‌ها عرضه می‌شود، دوزخ برزخی است؛ چون در پایان آیه، به مجازات آن‌ها در قیامت به‌طور جداگانه اشاره شده است.

امام جعفر صادق(ع)

اِنَّ بَينَ الدّنيا وَ الآخره الْفَ عَقَبَه
أهوَنُها وَ أيسَرُها الموتُ

میان دنیا و آخرت هزار گردنه است که کوچک‌ترین و آسان‌ترین آن‌ها مرگ است.

(من‌لایحضر، ج یک، ص۱۳۴)

از عالم برزخ، بازگشتی نیست

واژه برزخ در قرآن سه‌بار تکرار شده، اما تنها در آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون به معنای رایج آن به‌کار رفته است. در این آیه، خداوند پس از بیان نابجا بودن درخواست برخی افراد پس از مرگ برای بازگشت به دنیا، اعلام می‌کند که اینان تا روز قیامت در برزخ به‌سر خواهند برد. در آیه فوق آمده است: «زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا برگردانید؛ شاید عمل صالحی انجام دهم در آنچه ترک کردم و پیش‌روی آن‌ها برزخی است تا روزی که مبعوث می‌شوند». به گفته کارشناسان، جمله «تا روزی که مبعوث می‌شوند» قرینه روشنی است بر اینکه عالم برزخ، مرحله‌ای قبل از رستاخیز و بعد از مرگ است. به این ترتیب، آیه فوق به‌روشنی به وجود چنین عالمی در میان دنیا و آخرت اشاره می‌کند.

وَمِن وَرَائِهِم
و در برابر آنهاست
بَرْزَخٌ
عالم برزخ است
إِلَى يَوْمِ
تا روزی که
يُبْعَثُونَ
برانگیخته شوند

امام‌علی(ع)

لِكُلِّ دارٍ بابٌ وَ بابُ الآخرةِ المَوتُ

هر خانه و سرایی در ورودی‌ای دارد و در ورودی آخرت، مرگ است.

(شرح ابن ابی‌الحدید، ج۲۰، ص۳۴۵)

باغی از باغ‌های بهشت یا حفره‌ای از جهنم

در روایات، برزخ به معنای واسطه بین دنیا و آخرت به کار رفته است، چنان‌که در حدیثی از امام‌صادق(ع) پس از بیان این مطلب که همه شیعیان حقیقی در آخرت با شفاعت پیامبر(ص) و اوصیایش به بهشت می‌روند، آمده است: «به خدا سوگند! من بر شما (شیعیان) نمی‌ترسم، جز از مرحله برزخ بین دنیا و آخرت». راوی می‌گوید: «من به امام‌صادق(ع) گفتم که عالم برزخ کجاست». فرمودند: «قبر است؛ زندگی در آن از زمان مرگ تا روز رستاخیز ادامه دارد». بنابر آنچه در سایر روایات آمده است، مقصود از قبر، باغی از باغ‌های بهشت (برزخی) یا گودالی از گودال‌های جهنم (برزخی) است، نه همین قبر خاکی که بدن ما در آن دفن می‌شود. در روایتی از امام‌سجاد(ع) آمده است: «قبر، باغی از باغ‌های بهشت یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ است». همچنین روایتی از پیامبر(ص) نقل شده است که این معنا را به‌وضوح بیان می‌کند. حضرت می‌فرمایند: «هنگامی که یکی از شما از دنیا برود، جایگاه او صبح و شام به او عرضه می‌شود. اگر اهل بهشت باشد، جایگاهش بهشت و اگر اهل دوزخ باشد، جایگاهش دوزخ خواهد بود و به او گفته می‌شود این جایگاه توست تا هنگامی که خداوند، تو را در قیامت مبعوث کند».



طرح: جلال حاجی‌زاده/ شهرآرا